

حق تقدم با خودروهای امدادی است

بی‌توجهی به حق تقدم عبور خودروهای امدادی از جمله مواردی است که از سوی برخی از رانندگان متخلف صورت می‌گیرد. یکی از مهم‌ترین قسمت‌های کتاب آیین‌نامه راهنمایی و رانندگی مربوط به حق تقدم خودروهای امدادی مثل آمبولانس‌ها و خودروهای آتش‌نشانی است، چراکه در بیشتر مأموریت‌هایی که این سازمان‌ها انجام می‌دهند جان انسانی در خطر است و ثانیه‌ها می‌تواند به نجات جان یا از دست رفتن آن بینجامد. فرض کنید آمبولانسی در حال رساندن یک بیمار یا یک زخمی بسیار بدحال است که هر لحظه احتمال از دست دادن جانش می‌رود. با زمانی که خودروهای آتش‌نشانی باید در کمترین زمان ممکن به محل حادثه برسند، به دلیل راه‌ندان رانندگان دیر برسند و آتش‌سوزی از کنترل خارج شود. در مواردی هم رانندگان به خودروی امدادی راه می‌دهند، اما بعد از آن به تعقیب آن می‌پردازند و در واقع پشت سرش با سرعت حرکت می‌کنند. در این گونه موارد، از آنجا که سرعت خودروی امدادی بالاست و فاصله‌ها کم است، امکان دارد راننده آمبولانس یا هر خودروی امدادی دیگر حواسش پرت خودروی پشتی شود و علاوه بر آن هر لحظه امکان ترمز ناگهانی و تصادف وجود دارد. با وجودی که طبق قانون برای رانندگان خطای که اقدام به این اعمال می‌کنند، در کلاسهرها ۹۰ هزار تومان، در شهرهای کوچک ۶۰ هزار تومان و در راه‌های روستایی ۳۰ هزار تومان تعیین شده است، اما این میزان اندک جریمه برای رانندگان متخلف بازدارنده نبوده و موجب می‌شود تا آنها بارها مرتکب این نوع تخلف شوند.

اما نکته‌ای که باید به آن اشاره کرد، این است که در سال‌های گذشته پلیس راهور فراچا طرحی به نام «کوچه نجات» را ارائه داد که طبق آن خودروهای امدادی به جای اینکه در خط سوم آزادراه و بزرگراه که کنار گاز دریل در سمت چپ بزرگراه‌ها بود دنبال راهی برای سریع رسیدن به مقصد باشند، در لاین وسطی بزرگراه‌ها قرار گرفته و به سمت مقصد حرکت کنند، اما بنا بر دلایل نامعلوم این طرح اجرایی نشد. با این اصل بر این است که رانندگان به محض دیدن خودروهای امدادی با آویر روشن، فوراً از سر راه آنها بکند، نداشتن توبه‌نامه به افراد و مال افراد حفظ شود. از همین رو رانندگان باید خود را جان نزدیکان بیماری قرار دهند که در آمبولانس در حال انتقال به بیمارستان است یا خودروی امداد آتش‌نشان که در حال حرکت به سمت محل خطری است که قرار است خانواده او را از خطر نجات دهند. بخش مهمی از فرهنگ رانندگی مربوط به توجه به ساختارهای فرهنگی از جمله عمل به قانون است که در بستر هر جامعه‌ای رشد پیدا می‌کند.

قتل دختر

به خاطر جواب رد به خواستگاری

■ **آرمین بینا**
دختر ۲۳ ساله‌ای که به خواستگاری پسر جوان بیکار جواب منفی داده بود، با هشت ضربه چاقو در جنوب تهران به قتل رسید. متهم پس از ماه‌ها فرار و تغییر چهره، سرانجام با تماس تلفنی دل‌تنگی برای خانواده‌اش در شهر کرد دستگیر شد. روز جمعه هفتم فروردین ماه اسفند، رهگذران در یکی از خیابان‌های جنوب تهران شاهد حمله خونی پسر جوانی به دختری ۲۳ ساله شدند. دختر جوان که فهیمه نام داشت، هدف ضربات چاقوی مهاجم قرار گرفت و خونین روی زمین افتاد. ضارب نیز پیش از آنکه کسی بتواند مانع فرارش شود، از محل ریخت. فهیمه بلافاصله به بیمارستان منتقل شد، اما تلاش پزشکان برای نجات جان او نتیجه نداد و ساعتی بعد مرگش بر اثر شدت خون‌ریزی ناشی از اصابت هشت ضربه چاقو اعلام شد.

■ **فرار قاتل با خودروی تیب**
با اعلام خبر قتل، باز پرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران همراه کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی تحقیقات خود را آغاز کرد. مأموران در نخستین مرحله به بررسی دوربین‌های مدار بسته اطراف محل جنایت پرداختند و تصاویر ضبط‌شده، سرخ مهمی از عامل قتل در اختیار آنها قرار داد.

بررسی فیلم‌ها نشان می‌داد پسری حدوداً ۲۷ ساله دقایقی پیش از رسیدن فهیمه در گوشه‌ای کمین کرده بود. او به محض مشاهده دختر جوان، راهش را سد کرد و پس از لحظاتی گفت‌وگو، چاقویی از جیبش بیرون آورد و ضربات متعددی به او زد. مهاجم سپس از محل دور شد و کمی آن‌طرف‌تر سوار یک دستگاه خودروی تیباً شد و ریخت.

کارآگاهان با انجام تحقیقات میدانی و بررسی پلاک خودرو، هویت متهم به نام حامد را شناسایی کردند. در ادامه مشخص شد خواهر حامد و فهیمه در یک فروشگاه زنجیره‌ای مواد غذایی با یکدیگر همکار بوده‌اند.

■ **انتقام به خاطر جواب رد**
تحقیقات پلیسی نشان داد حامد مدتی قبل از فهیمه خواستگاری کرده‌بود، اما دختر جوان پس از اطلاع از بیکار بودن و به این خواستگاری جواب منفی داده‌بود. کارآگاهان در جریان بررسی‌های خود به این نتیجه رسیدند که

رد شدن خواستگاری، انگیزه احتمالی متهم

برای حمله مرگبار به دختر جوان بوده‌است. با شناسایی مخفیگاه‌های احتمالی، تلاش برای دستگیری حامد آغاز شد، اما او پس از جنایت، وسایل شخصی و حتی تلفن همراهش را جا گذاشته و به مکان نامعلومی گریخته بود. همین موضوع، روند شناسایی محل اختفای او را دشوار کرد.

■ **ردیابی قاتل در شهر کرد**
در حالی که تحقیقات برای دستگیری متهم ادامه داشت، مدتی بعد گزارشی به مأموران رسید که از درگیری پسر جوانی با فردی دیگر در شهر کرد کایت داشت. این پسر در جریان درگیری ادعا کرده‌بود قاتل است و از کسی نمی‌ترسد. مشخصات او با حامد، متهم فراری پرونده قتل فهیمه، شباهت داشت، اما مأموران هنگام پیگیری متوجه شدند وی بار دیگر محل زندگی خود را تغییر داده‌است.

جست‌وجوها برای یافتن متهم ادامه داشت تا اینکه چند روز قبل، حامد با یک شماره تلفن ناشناس با خانواده‌اش تماس گرفت. کارآگاهان با ردیابی این تماس توانستند سرخی از محل حضور او به دست آورند و سرانجام متهم را در شهر کرد بازداشت کنند.

حامد پس از دستگیری به قتل فهیمه اعتراف کرد و در حال حاضر تحقیقات از او برای روشن شدن جزئیات قتل و انگیزه دقیقش ادامه دارد. ■ **دل‌تنگی برای خانواده به دامم انداخت**
حامد می‌گوید: بعد از فرار، تلاش زیادی کردم تا ردی از خودم به جا نگذارم. حتی ریش گذاشتم تا چهرام تغییر کند و شناسایی نشوم، اما دل‌تنگی برای خانواده‌ام باعث شد با آنها تماس بگیرم؛ تماسی که سرانجام به دستگیری‌ام منجر شد.

■ **مقتول را از قبل می‌شناختی؟**
بله. او با خواهرم در یک فروشگاه زنجیره‌ای مواد غذایی کار می‌کرد.

■ **چطور شد که تصمیم گرفتی با او ازدواج کنی؟**
خواهرم پیشنهاد داد با او ازدواج کنم. می‌گفت دختر نیمه‌و یاوقاری است، کار می‌کند و درآمد دارد. من هم قبول کردم و با فهیمه وارد ارتباط شدم.

■ **چرا به تو جواب رد داد؟**
مدتی با هم تلفنی صحبت می‌کردیم و چند بار هم او را در محل کارش دیده بودم. درباره ازدواج



حرف زدیم، اما وقتی فهیمد شغل درست‌حسابی ندارم و درآمد هم خوب نیست، جواب منفی داد.

■ **وقتی جواب رد شنیدی، تصمیم گرفتی او را به قتل برسانی؟**
نه، همان موقع چنین تصمیمی نگرفتم. چندبار دیگر با او صحبت و اصرار کردم که با من ازدواج کند، اما فایده‌ای نداشت. از رفتارش عصبانی شده‌بودم و احساس می‌کردم غرورم را زیر پا گذاشته است.

■ **روز حادثه چه اتفاقی افتاد؟**
در مسیر محل کارش جلوی او را گرفتم دوباره خواستم با من ازدواج کند، اما قبول نکرد. عصبانی شدم و با چاقو به او حمله کردم.

■ **بعد از جنایت چه کردی؟**
ترسیده بودم و فرار کردم. به شهر کرد رفتم و زندگی مخفیانه‌ای را با هویت جعلی شروع کردم. آنجا کارگری می‌کردم و زندگی‌ام را ادامه می‌دادم. فکر نمی‌کردم پلیس به این زودی پیدایم کند.

■ **برای اینکه شناسایی نشوی، چه کارهایی انجام دادی؟**
سعی می‌کردم همه جواب‌را رعایت کنم. حتی ریش و سبیل گذاشتم و با گریم، چهرام را تغییر دادم تا کسی مرا نشناسد.

■ **پس چطور دستگیر شدی؟**
دل‌تنگ خانواده‌ام شده‌بودم. از یک مرد معناد سسیم‌کارت خریدم و با خانواده‌ام تماس گرفتم. فکر نمی‌کردم پلیس بتواند از طریق همان سسیم‌کارت ناشناس ردم را یزند، اما همین تماس باعث شد دستگیر شوم.

■ **گفته می‌شود در شهر کرد هم با فردی در گیر شده و گفته بودی قاتلی و از کسی نمی‌ترسی، ماجرا چی بود؟**
با مردی در گیر شدم و عصبانی بودم. در جریان درگیری گفتیم قاتلم و از کسی نمی‌ترسم.

و دامادش به قصاص رسید.

■ **قتل دوست در پارک چیتگر**
سومین محکومی که سحرگاه دیروز قصاص شد، مردی بود که سی‌ام مهر سال ۱۴۰۳ همراه یکی از دوستانش برای تفریح به پارک چیتگر رفته بود، اما این گردش با درگیری میان آن دو به جنایتی هولناک ختم شد.

متهم که در حالت مستی بود، پس از درگیری روی دوستش بزین ریخت و او را به آتش کشید. مرد جوان بر اثر این اقدام جان باخت و عامل جنایت پس از دستگیری و رسیدگی قضایی به قصاص محکوم شد.

■ **مهلث قاتل در آستانه اعدام**
در میان محکومان دیگری که برای اجرای حکم به زندان قزل‌حصار منتقل شده بودند، مرد جوانی نیز حضور داشت که اوایل آذر سال ۱۴۰۲ دوستش را به قتل رسانده بود. بررسی پرونده نشان می‌داد متهم به دلیل اختلاف بر سر تحویل موتورسیکلت، با چوب بیسبال به دوستش حمله کرده و او را به قتل رسانده است. این محکوم سحرگاه دیروز در آستانه اجرای حکم، از اولیای دم مهلت گرفت و به سلولش بازگشت.

■ **محکوم به تجاوز در انتظار رسیدگی مجدد**
در میان افرادی که قرار بود سحرگاه دیروز حکم اعدامشان اجرا شود، دو مرد نیز حضور داشتند که حدود ۱۴ سال قبل، دختر جوانی را فریب داده و به باغی در اطراف تهران کشانده و به او تجاوز کرده‌بودند. این دو متهم پس از رسیدگی قضایی به اعدام محکوم شده بودند، اما با ثبت درخواست اعاده داری، اجرای حکمشان به تعویق افتاد تا درخواست آنها در مراجع قضایی بررسی شود.

سحرگاه دیروز سه مرد که در پرونده‌های جداگانه مرتکب قتل شده بودند، در زندان قزل‌حصار کرج قصاص شدند. در جریان اجرای احکام، یک محکوم به قصاص از اولیای دم مهلت گرفت و به سلولش بازگشت. همچنین اجرای حکم اعدام دو محکوم به تجاوز به دلیل درخواست اعاده دادرسی به تعویق افتاد.

نخستین محکومی که سحرگاه دیروز قصاص شد، مرد جوانی بود که شهریور سال ۱۴۰۲ در جریان اختلاف مالی با یک چاپخانه‌دار، مرتکب قتل شده بود. متهم روز حادثه برای گفت‌وگو با مسرد چاپخانه‌دار مقابل جایگاه سوختی در محله جنت‌آباد قرار گذاشته بود. مقتول که شاگرد چاپخانه‌دار بود، صاحب‌کارش را به محل قرار رسانده بود، اما در جریان این ماجرا با شلیک گلوله‌ای که به‌اشتباه شلیک شده بود، جان باخت. پس از رسیدگی به پرونده و صدور حکم قصاص، محکوم سحرگاه دیروز پای چوبه بار رفت و حکم او اجرا شد.

■ **قصاص قاتل خبرنگار ایرنا**
دومین محکومی که حکم قصاصش اجرا شد، مردی بود که نوزدهم آبان سال ۱۴۰۳ همسرش، منصوره قدیری جاوید، خبرنگار خبرگزاری ایرنا را به قتل رسانده بود.

پس تم از دستگیری به قتل همسرش اعتراف کرد و اختلافات خانوادگی‌را از دلایل این جنایت عنوان کرد. پس از رسیدگی قضایی، حکم قصاص او صادر شد. در حالی که پسر متهم از حق قصاص پدرش گذشت کرده بود، مادر مقتول همچنان خواستار اجرای حکم بود. سرانجام سحرگاه دیروز، مادر منصوره قدیری جاوید پیش از طلوع آفتاب درخواست خود را اجرا کرد

قتل‌های خانوادگی پیش از وقوع شکل می‌گیرد



حسین فصیحی

دبیر گروه حوادث

در کمتر از چند روز، خبر چند جنایت خانوادگی دیگر منتشر شد؛ حوادثی در تبریز، دهلران، اصفهان، تهران و علی‌آبادکتول که بار دیگر خانواده را به کانون اخبار تلخ اجتماعی تبدیل کردند. در دو حادثه تبریز و دهلران، بنا بر گزارش‌های منتشرشده، ۹ نفر جان باختند. پیش از آن نیز اختلافات خانوادگی، نزاع بر سر ارثیه و درگیری‌های مرتبط با روابط زناشویی، به قتل چندین نفر در نقاط مختلف کشور انجامیده بود.

اما مسئله فقط تعداد قربانیان نیست؛ پرسش اساسی این است که چرا با وجود تکرار این حوادث و هشدارهای متعدد، همچنان شاهد تبدیل اختلافات خانوادگی به جنایت هستیم؟ چرا گاهی پیش از آنکه فرصتی برای مداخله و نجات جان انسان‌ها فراهم شود، بحران به نقطه بی‌بازگشت می‌رسد؟

قتل‌های خانوادگی پدیده‌ای تک‌علتی نیستند. اختلافات زناشویی، خشونت خانگی، اعتیاد، مشکلات اقتصادی، تعارض‌های مالی و دسترسی به سلاح ممکن است در برخی پرونده‌ها نقش داشته باشند، اما هیچ‌کدام به تنهایی توضیح‌دهنده همه این جنایت‌ها نیستند. آنچه اهمیت دارد، شناسایی نشانه‌های خطر و جلوگیری از تبدیل تهدید به اقدام مرگبار است.

حلقه مفقوده، فاصله میان هشدار و مداخله است. تهدیدهای مکرر به قتل، سابقه خشونت، تعقیب همسر پس از جدایی و تهدید بستگان، رفتارهایی نیستند که بتوان آنها را صرفاً اختلافی خصوصی تلقی کرد. در چنین شرایطی، حفظ جان افراد در معرض خطر باید بر هر گونه مصالحه و میانجی‌گری مقدم باشد.

برای عبور از این وضعیت، هماهنگی مؤثر میان پلیس، دستگاه قضایی، اورژانس اجتماعی و مراکز حمایتی ضروری است. گزارش‌های مرسوم به تهدیدهای جدی باید به‌ارزایی‌خطر و پیگیری مستمر منجر شوند، نه اینکه با ثبت یک شکایت یا ارائه چند توصیه، پرونده از چرخه توجه خارج شود. حمایت حقوقی، دسترسی به سرپناه امن و خدمات مددکاری نیز باید برای افرادی که در معرض خشونت قرار دارند، قابل دسترس باشد. در پرونده‌های پرخطر، بررسی قانونی دسترسی به سلاح و اتخاذ تدابیر متناسب برای حفاظت از قربانیان احتمالی اهمیت ویژه‌ای دارد. همچنین شهرداری‌ها و نهادهای محلی می‌توانند با معرفی مراکز حمایتی، تقویت خدمات اجتماعی و تسهیل دسترسی شهروندان به مشاوره، در پیشگیری از تشدید بحران‌های خانوادگی نقش آفرینی کنند.

رسانه‌ها نیز نباید تنها پس از وقوع جنایت به بازتاب جزئیات حادثه بسنده کنند. هر پرونده باید فرصتی برای بررسی نشانه‌های هشدار، شناسایی خلأهای حمایتی و مطالبه پاسخ از نهادهای مسئول باشد. البته نمی‌توان ادعا کرد که همه این جنایت‌ها با یک اقدام مشخص قابل پیشگیری بوده‌اند، اما تکرار آنها ضرورت بررسی فرصت‌های از دست‌رفته برای مداخله را دوچندان می‌کند. ارزایی‌پس از حادثه باید به اصلاح رویه‌ها و تقویت سازوکارهای پیشگیرانه بینجامد. قتل‌خانوادگی گاهی پیش از شلیک گلوله، در زنجیره‌ای از تهدیدها، خشونت‌ها و فرصت‌های از دست‌رفته شکل می‌گیرد. هنر مدیریت اجتماعی آن است که این زنجیره را پیش از رسیدن به نقطه بی‌بازگشت قطع کند.

پرسش امروز فقط این نیست که چرا یک عضو خانواده دست به جنایت زده است، پرسش مهم‌تر این است که سازوکارهای پیشگیری تا چه اندازه توانسته‌اند پیش از وقوع فاجعه، خطر را شناسایی و از جان انسان‌ها محافظت کنند.

۹ کشته

در ۲ جنایت خانوادگی

وقوع دو جنایت خانوادگی در تبریز و دهلران، به قتل ۹ نفر از اعضای دو خانواده منجر شد. در حادثه نخست، مردی ۴۵ ساله همسر و دو فرزند خود را به قتل رساند و سپس خودکشی کرد. در حادثه دوم نیز مردی ۵۷ ساله با اسلحه همسر و سه فرزندش را به قتل رساند و خودکشی کرد. به گزارش «جوان»، سرهنگ محمد نعمتی، فرمانده انتظامی شهرستان تبریز، از وقوع یک فقره قتل خانوادگی در شهرک مزداران خبر داد و گفت: در پی اعلام مرکز فوریت‌های پلیسی، مأموران کلانتری ۲۶ باغمیسه بلافاصله به محل حادثه اعزام شدند. وی افزود: بررسی‌های اولیه نشان داد مردی حدوداً ۴۵ ساله به دلیل مشکلات شخصی و خانوادگی، همسر و دو فرزند خود را به قتل رسانده و سپس خودکشی کرده است. به گفته فرمانده انتظامی شهرستان تبریز، اخبار تکمیلی درباره این حادثه متعاقباً اعلام خواهد شد.

■ **۵ کشته در دهلران**
در حادثه‌ای دیگر در شهرستان دهلران، اعلام مفقودی یک زن پس از گذشت ۴۸ ساعت، سرآغاز تحقیقات پلیسی درباره جنایتی خانوادگی شد. سرهنگ سیدمختار باویر، فرمانده انتظامی شهرستان دهلران گفت: شامگاه سه‌شنبه ۲۱ مهر، پس از مراجعه فردی به کلانتری و اعلام مفقودی خواهرش، موضوع در دستور کار مأموران انتظامی قرار گرفت.

وی افزود: مأموران با هماهنگی مرجع قضایی به محل مراجعه کردند و در جریان بررسی‌ها مشخص شد مردی ۵۷ ساله با استفاده از سلاح گرم، همسر و سه فرزند خود را به قتل رسانده و سپس به زندگی خود پایان داده‌است.

مفقودی

کلیه اسناد مالکیت (برگ سبز، سند کمیانی، کارت و...) سواری پژو ۴۰۵ی ال ایکس مدل ۸۱ به شماره پلاک ۳۱۱س ۴۶- ایران-۱۰ و شماره موتور ۲۲۵۲۸۱۰۱۴۵ و شاسی ۸۱۳۰۱۹۳۲ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

قم

مفقودی

برگ سبز سواری دنا مدل ۱۴۰۵ به شماره پلاک ۱۱۸س ۶۵- ایران-۶۱ و شماره موتور ۱۴۷H۰۹۶۹۶۰۵ و شاسی ۲۴۱۷۴NAAW۹۱HKATDR مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

قم

آگهی اصلاحی شرکت سهامی خاص مجتمع متحرک سازی هنر و آفرینش به شناسه ملی ۱۰۶۱۰۶۰۰۹۶ و به شماره ثبت ۵۱۹۷۸۳ پیرو آگهی صادره به شماره مکاتبه ۱۴۰۵۲۰۴۰۹۰۱۱۱۲۸۱۶ مورخ ۱۴۰۵/۷/۸ آقای علی اکبر منوچهری اردستانی به شماره ملی ۲۱۶۱۵۳۶۰۸۷ به نمایندگی از موسسه علمی آموزشی تربیتی الگوی صالح به شناسه ملی ۱۰۰۲۳۳۸۴۶۲ به سمت عضو اصلی هیئت مدیره تا تاریخ ۱۴۰۷/۰۲/۰۲ انتخاب شدند، که بدینوسیله اصلاح گردید.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۲۳۰-۲۶۲۶)

آگهی اصلاحی شرکت سهامی خاص مجتمع متحرک سازی هنر و آفرینش به شناسه ملی ۱۰۶۱۰۶۰۰۹۶ و به شماره ثبت ۵۱۹۷۸۳ پیرو آگهی صادره به شماره مکاتبه ۱۴۰۵۲۰۴۰۹۰۱۱۱۲۸۱۶ مورخ ۱۴۰۵/۷/۸ آقای علی اکبر منوچهری اردستانی به شماره ملی ۲۱۶۱۵۳۶۰۸۷ به نمایندگی از موسسه علمی آموزشی تربیتی الگوی صالح به شناسه ملی ۱۰۰۲۳۳۸۴۶۲ به سمت عضو اصلی هیئت مدیره تا تاریخ ۱۴۰۷/۰۲/۰۲ انتخاب شدند، که بدینوسیله اصلاح گردید.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۲۳۰-۲۶۲۶)